

بررسی پیامدهای نمایش رفتارهای غیر متعارف و بدآموز در سینما و سریال‌های شبکه نمایش خانگی

# فحش، دود، حرکت!

**الیه توانا-**قبلا توی فیلم‌ها سیگار را فقط دست آدم بدها می‌دیدیم، هرچند توی زندگی واقعی سیگاری‌ها لزوماً «بدمن» نبودند اما سینما و تلویزیون به ما قبولانده‌بود که سیگار چیز خوبی نیست. قبلا ناسزا را فقط از زبان شخصیت‌های منفی فیلم می‌شنیدیم، آن‌هم نه راه و بیراه و لحتله‌به‌لحتله که موقع عصیانیت، هرچند توی زندگی واقعی حرف بد از دهان خودمان و دیگران درمی‌آمد اما سینما و تلویزیون به ما قبولانده‌بود بدگویی و بدزبانی، بی‌ادبی است نه بامزگی. روابط خارج از چارچوب زناشویی را در فیلم‌ها بی‌سرانجام و بدفرجام می‌دیدیم نه جزئی طبیعی از زندگی. خلاصه آن‌که سینما و تلویزیون کارکرد سرگرم‌کننده و آگاهی‌بخش خودش را داشت اما نسبت به مسائل اخلاقی و تربیتی هم بی‌تفاوت نبود؛ از نقش و تأثیرش باخبر بود و در نمایش رفتارهای غیرمتعارف و بدآموز، بی‌اعتنا به مخاطب نبود. این یک پرونده سینمایی نیست و هدفش هم مقایسه سینما و سریال‌های تلویزیون در دوره‌های مختلف نیست. بیانه نوشتن این پرونده، بررسی آثار نمایش بی‌پروای رفتارها و صحنه‌هایی است که توقع دیدنشان را از سینما و سریال‌ها نداریم و اصلاً نمی‌دانیم کارکرد و فایده‌شان چیست؛ نمی‌دانیم چه ضرورتی دارد شخصیت‌های جذاب فیلم‌ها و سریال‌ها بی‌اندازه بی‌ادب و بدرفتار و البته دودی باشند. برای فهم و تحلیل این اتفاق، ضمن بررسی مصداق‌های آن‌چه گفته شد در چند فیلم و سریال، با یک جامعه‌شناس و یک روان‌شناس هم‌گفت‌وگو کرده‌ایم. اگر شما و خانواده‌تان مخاطب آثار تصویری این روزها هستید و برایتان مهم است خودتان و کوچک ترهای خانواده چه می‌بینید و می‌شنوید، با ما همراه شوید.

### نگاهی به برخی مصادیق رفتارهای بدآموز

### در آثار نمایشی این روزها

**علیرضا کردار-**کسی نیست که به تأثیرات مثبت یا منفی سینما و تلویزیون روی مخاطب شک داشته‌باشد. تمر کز روی این تأثیرگذاری وقتی بیشتر می‌شود که مخاطبانش از سنین تأثیرپذیرتر یعنی کودکان، نوجوانان و جوانانی باشند که با دیدن یک فیلم یا چند قسمت از یک سریال، محو آن شوند. مصادیق و تأثیرات مثبت به کنار، در این‌جا می‌خواهیم مصادیق منفی را بررسی کنیم.

#### ■ رقابت دودی قباد و پیمان



قهرمان فیلم، دلش می‌شکند، تنها می‌ماند، اشک هایش سر ازیز می‌شود و... سیگار می‌کشد! حرف‌زور و ناخق می‌شوند، کتک می‌خورد، خون از لب و دهانش جاری می‌شود و... سیگار می‌کشد! حسابی به فکر فرو می‌رود، دیالوگ‌های عمیق ردوبدل می‌کند، به دوردست‌ها خیره می‌ماند و... سیگار می‌کشد! نقش، نقش زنی اغواگر و هنجارشکن، جوانی در هم‌شکسته یا هنرمندی آوانگارد است. نقش معنادی با حال خراب، عاشقی شکست خورده یا جوانکی ورشکسته است و بازگرگر برای نشان دادن همه این‌ها سیگار می‌کشد! اگر از سارای «خون بازی» و «مریم و مرهم» و علی «سنتری» و ماندانای «رخ دیوانه» و حتی سیگار کشیدن مهران مدبری در نشست خبری فیلم «ساعت ۵ عصر» بگذریم، در بین آثار نمایشی ایرانی، شخصیت قباد (شهاب حسینی) در سریال «شهرزاد» بیشترین سهم در سیگار کشیدن را دارد. سیگارهایی که با لذت و احساس گیرانده می‌شوند و دودش چشمان خمارش را خمار تر می‌کند! افراط در سیگار کشیدن این شخصیت تا جایی پیش رفت که هنگام پخش فصل اول سریال، مدیر اجرایی جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات ایران نامه‌های جداگانه‌ای به وزیر ارشاد وقت و کارگردان سریال نوشت و درخواست کرد استعمال مواد دخانی در کلیه صحنه‌ها حذف شود؛ درخواستی که بی‌نتیجه ماند؛ در سریال «عاشقانه» هم شاهد سیگار کشیدن دم به دم پیمان (هومن سیدی) که شخصیتی دوست‌داشتنی و بانمک دارد، در بیشتر صحنه‌ها و با ژستی خاص بودیم. این افراط تا جایی پیش می‌رود که بزرگ سالان غیرسیگاری هم ممکن است در لحظه هوس کنند دودی بگیرند، چه برسد به نوجوان‌ها!

#### ■ فحاشی برای هیچ



دم‌دستی باقی می‌ماند و کار به جاهای باریک و کلمات رکیک نمی‌کشید! از دیگر محصولات لبریز از الفاظ رکیک این روزها، می‌توان به فیلم پر فروش «گشت ۲» اشاره کرد که کارگردان و نویسنده دست به هر کاری زده‌اند تا بیننده را بخندانند، حتی فحش دادن بازیگران به یکدیگر و اقوام و مرده‌وزنده‌شان!

#### ■ نمایش روابط خارج از چارچوب زناشویی

گذشته از سیگار و فحش، نمایش لحظات عاطفی شخصیت‌های فیلم و سریال‌ها هم این روزها پررنگ و چشمگیر شده که فصل دوم سریال «شهرزاد» از این لحاظ پیشتاز است و سکانس‌هایی که شاهد ردوبدل شدن دیالوگ‌های عاطفی بودیم مثل سکانس مربوط به قباد و اکرم. «۵۰ کیلو آب‌الو» هم از جمله فیلم‌هایی بود که به شکل عجیبی، رابطه عاطفی زنی که به نامزد خود متعهد بود، با مردی دیگر را نمایش می‌داد؛ رابطه‌ای که در سریال «عاشقانه» هم به اشکال مختلف نمایش داده شد.

یادداشت شفاهی دکتر حامد بخشی، جامعه‌شناس درباره وجه جامعه‌شناسانه نمایش ناهنجاری‌ها در رسانه

### رسانه، هم آینه جامعه و هم معلم

رابطه بین رسانه (در این‌جا، سینما و سریال) و جامعه یک رابطه دوگانه است؛ یک بخش این رابطه تأثیرپذیری رسانه است، به این معنی که رسانه نسبت به جامعه دارای صفت «آیینگی» و «حکایت‌گری» است و اتفاقات و مسائل جامعه را نمایش می‌دهد. بخش دیگر این رابطه تأثیرگذاری رسانه بر جامعه است؛ رسانه می‌تواند هنجارهایی را شکل بدهد و موجب بروز یا کم‌رنگ شدن رفتارهایی در جامعه بشود. بنابراین وقتی درباره چرایی و چگونگی نمایش ناهنجاری در رسانه صحبت می‌کنیم باید این رابطه دوگانه را مدنظر داشته‌باشیم، ضمن این‌که باید ببینیم این نمایش با چه انگیزه‌هایی صورت می‌گیرد؟ و اساساً چه نوع ناهنجاری‌هایی در رسانه نمایش داده می‌شود؟ طبیعتاً بخشی از نمایش ناهنجاری برای جلب و جذب مخاطب است. اما چه فرایندی باعث می‌شود ناهنجاری که قاعدتاً باید مطلوبه جامعه باشد و دیدنش باعث انزجار بشود، برای مخاطب جذابیت داشته‌باشد؟ برای پاسخ به این سوال باید ببینیم ناهنجاری چه موقعیتی در رابطه با جامعه پیدا کرده‌است. یک سری از ناهنجاری‌ها در جوامع، تابو محسوب می‌شوند. نمایش تابوها قاعدتاً نه تنها جذاب نیست که جامعه با آن برخورد هم می‌کند. برای مثال در جامعه آلمان، نمایش نمادهای مربوط به حکومت «نازی» غیرقابل پذیرش و منفور است. اما زمانی که تابوها در معرض شکستن قرار می‌گیرند یا دارای یک ویژگی جذاب فردی یا اجتماعی هستند، نمایششان پرمخاطب خواهدبود. این قاعدت از دیرباز وجود داشته‌است. «باختین» فیلسوف روسی در طرح و صورت بندی «کارناوال» معتقد است در جشن‌ها و کارناوال‌ها یک‌سری از تابوهای اجتماعی به‌صورت نمادین زیرپا گذاشته می‌شوند تا جامعه هم‌چنان بتواند آن‌ها را تحمل کند. جوک ساختن درباره تابوها و خندیدن به آن‌ها هم چنین کارکردی دارد؛ ما با خندیدن به تابوها آن‌ها را به‌صورت نمادین نقض می‌کنیم تا قابل تحمل باشند. «دور کیم»، جامعه‌شناس فرانسوی هم می‌گوید ناهنجاری‌های اجتماعی که به آن‌ها جرم یا کج‌روی گفته می‌شود، باید هر از گاهی در جامعه مطرح و مجازات شود تا وجدان جمعی هم‌چنان نسبت به آن‌ها حساس بماند. اگر در باره ناهنجاری‌ها در جامعه سکوت محض برقرار شود، جامعه به‌تدریج حساسیتش را نسبت به آن‌ها از دست می‌دهد. آن دسته از تابوهایی که در معرض شکستن و تبدیل شدن به هنجار هستند، برای سینماگران شکارهای خوبی به‌شمار می‌روند. مثلاً سیگار کشیدن زنان یا سیگار کشیدن نقش‌های مثبت و جذاب، یکی از این موارد است؛ سینماگران وقتی احساس کردند این مسئله تابوگونه در معرض شکستن قرار دارد، از آن به‌عنوان سوزهای جذاب بهره گرفتند. بنابراین یک نکته مهم در نمایش ناهنجاری این است که بدانیم این نمایش نشانه چه چیزی است؟ آیا برای مثال روابط فرزان‌شویی در فیلم‌ها و سریال‌ها از نوع تابویی است که در معرض شکسته شدن است و داریم از جذابیتش استفاده می‌کنیم یا تابویی است که نشانش می‌دهیم تا حساسیت اجتماعی هم‌چنان متوجهش باشد؟ بر همین اساس، برای رسانه دو نوع کارکرد مثبت و منفی تعریف می‌شود. به این معنی که نمایش ناهنجاری هم می‌تواند تأثیر مثبت داشته‌باشد و پیامدش اجتناب از ناهنجاری باشد، هم می‌تواند تأثیر منفی داشته‌باشد و به ترویج ناهنجاری منجر شود. به‌طور کلی اگر نمایش ناهنجاری با نمایش مجازات یا سوء عاقبت همراه باشد، می‌تواند تأثیرات تربیتی مثبت داشته‌باشد. اما این نمایش اگر پیامدهای مثبت دریاقت کرد، به این معنی که این فیلم شامل صحنه‌هایی است که یا خنثی همراه باشد، به ترویج یا از بین بردن قبح ناهنجاری منجر می‌شود. از این رو، این سوال که آیا نمایش یک ناهنجاری در رسانه سینما یا تلویزیون اثرات مثبت یا منفی دارد، پاسخی مطلق ندارد و باید دید ناهنجاری‌های نمایش داده شده در سینما و تلویزیون از کدام نوع است؟ آیا روایت داستان و فضا نسبت به آن خنثی یا حتی مثبت است، یا موضعی منفی دارد.

## جای خالی درجه‌بندی سنی برای تماشای آثار تصویری در ایران

که با وجود داشتن صحنه‌های خشن ولی سازندگان از نمایش سیگار کشیدن خودداری کرده‌بودند تا سریال بتواند در ساعت پربیننده از تلویزیون پخش شود. هر چند یکی دو سال پیش در کشور ما هم، قانون منع نمایش رفتارهای پرخطر مثل استعمال دخانیات اعم از سیگار و قلیان و مصرف فست فودها در رسانه های عمومی اعلام شد و فیلم سازان ملزم شدند این قبیل اکت ها را منحصراً و محدوداً به نقش و کاراکترهای منفی کنند اما باز هم کم نبودند فیلم و گاهی سریال هایی که دست قهرمان محبوب و جذاب قصه، سیگار و فندک و حتی پایپ داده اند و به شکل غیرمستقیم، مخاطب و به خصوص مخاطبِ نوجوان را به فکر انداخته اند برای یک بار هم که شده، شبیه شخصیت مورد علاقه اش ژُست بگیرد و سیگاری دود کند! سال ۹۳، حبیب ایل بیگی، معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی در گفت و گو با ایسنا گفته بود: یکی از اصلاحاتی که باید آن را فریاد کرد، مشکل کشیدن سیگار در فیلم‌هاست. این مسئله مهم ترین مشکلی

یادداشت شفاهی دکتر عباس رمضان‌فرانی، روان‌شناس بالینی درباره وجه روان‌شناسانه نمایش رفتارهای غیرمتعارف در رسانه

### رسانه، خودآگاه و ناخودآگاه مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد



در روان‌شناسی میخنی وجود دارد به نام «یادگیری مشاهده‌ای»؛ به این معنا که وقتی فرد رفتاری را مشاهده می‌کند، بدون این‌که به تجربه شخصی نیاز داشته باشد، آن رفتار را یاد می‌گیرد. در خانه، بچه روابط پدر و مادر را می‌بیند و از طریق یادگیری مشاهده‌ای الگوبرداری می‌کند بعدها با همسر و فرزندش هم‌چطور رفتار کند. این بچه در یادگیری روابط و مسائل خارج از حوزه خانه، چشمش به مدل‌های دیگری است که رسانه‌های تصویری یکی از این الگوهاست؛ کودک با قهرمان فیلم همراه می‌شود، خودش را به او نزدیک می‌کند، مدل‌سازی اتفاق می‌افتد و رفتارها، افکار و عقاید شخصیت‌های فیلم را درونی‌سازی می‌کند. این تأثیرپذیری تنها مختص به کودکان هم نیست. ما می‌بینیم و می‌شنویم که سریال‌های تلویزیونی تکیه کلام می‌سازند و مردم آن‌ها را به‌کار می‌برند؛ یا مثلاً نوجوانی که هیچ تصویری از دانشگاه ندارد، تحت تأثیر فیلم‌ها و سریال‌ها قرار می‌گیرد، تصویری از این محیط برای خودش می‌سازد و این تصویر حتی رفتار او را در دانشگاه جهت می‌دهد. رسانه در نمایش فرهنگ هم بسیار قوی عمل می‌کند؛ ما با تماشای فیلم‌های اروپایی می‌توانیم شمایی کلی از فرهنگ اروپا را بشناسیم و آن‌ها هم بالعکس از همین طریق می‌توانند از ما شناختی نسبی به‌دست آورند. تأثیر رسانه البته همیشه خودآگاه نیست و حتی گاهی می‌تواند ناهوشیار ما را تحت تأثیر قرار بدهد. تحقیقی در این حوزه انجام شده و نتیجه قابل توجهی در پی داشته‌است؛ در این تحقیق در سالن سینما لابلای تصاویر فیلم، تعدادی تصویر از یک نوشیدنی خاص نمایش داده‌شد؛ تعداد این تصاویر و زمان نمایششان به‌صورتی بود که تماشاچی هوشیارانه متوجه آن‌ها نمی‌شد. جالب است بدانید مردم بعد از خروج از سینما به خریدن آن نوشیدنی خاص، که به‌صورت ناخودآگاه دیده‌بودند، تمایل داشتند. مسئله مهم دیگر در یادگیری مشاهده‌ای، «بار هیجانی» است؛ هرچه بار هیجانی بیشتر باشد، یادگیری قوی‌تر اتفاق می‌افتد. بنابراین یک فیلم دارای عناصر و شخصیت‌های جذاب، تأثیرگذاری خودآگاه و ناخودآگاه بیشتری بر مخاطب دارد. بنا به همین دلایل است که می‌گوییم رسانه در شکل دادن به سبک زندگی افراد نقش بسیار مهمی دارد و باید با دقت و حساسیت بیشتری عمل کند. تلویزیون ما اما ازدواج‌هایی را تبلیغ می‌کند که از لحاظ منطقی غلط و ناموفق هستند؛ در سریال‌ها بچه‌ها با بزرگ‌ترها خیلی بی‌ادبانه و دور از احترام رفتار می‌کنند؛ از سالنندان در فیلم‌ها و سریال‌ها عموماً برای خنداندن مخاطب استفاده می‌شود؛ از زبان شخصیت‌های اصلی فیلم واژه‌های بی‌ادبانه بسیار شنیده می‌شود و جوانان فیلم و سریال‌ها هم که همه از دم دودی و سیگاری اند. در برابر نقدی که به این رفتارها وارد است، یک عده می‌گویند سینما و تلویزیون باید واقعیت‌ها را نمایش بدهد. اگر قرار بر نمایش واقعیت است باید همه‌چیز کاملاً مطابق واقعیت پیش برود. واقعیت زندگی مردم، آن خانه‌ها و آن نوع پوششی نیست که در تلویزیون و سینما نمایش داده می‌شود. در مقابل، رسانه تأثیر مثبت هم می‌تواند –و باید- داشته‌باشد؛ نمونه خویش، سریال «قصه‌های جزیره» است که مشکلات و چالش‌های یک خانواده و فرایند حل مسئله را نشان می‌داد. یکی از ضعف‌های تلویزیون و سینما ما همین «حل مسئله» است. گریه در قصه می‌افتد، مسئله‌ای به‌وجود می‌آید و همه‌چیز با کاملاً معجزه‌گونه یا برحسب تصادف حل می‌شود؛ مخاطب از فیلم یک راه حل درست یاد نمی‌گیرد. با وجود همه این نواقص، حداقل توقعی که وجود دارد این است که فیلم‌ها و سریال‌های نمایش خانگی «رده‌بندی سنی» داشته‌باشند تا دست کم خانواده‌ها بتوانند بر آن‌ها کنترل داشته‌باشند و از تأثیرات منفی‌شان جلوگیری کنند.

است که در فیلم‌های سال‌های اخیر داشته‌ایم و تلاش کرده‌ایم بخش عمده‌ای از آن را تعدیل کنیم اما متأسفانه بعضی فیلم‌ها در این زمینه مشکل اساسی دارند. به همین دلیل از دوستان سینماگر و سازندگان فیلم‌های سینمایی می‌خواهیم به شکل جدی به این مسئله توجه کنند، زیرا اگر با صحنه‌های مکرر کشیدن سیگار در فیلم‌ها روبرو شویم، برخورد خواهیم کرد و بهتر است پیش از اینکه دیگران بخواهند مانع نمایش فیلم شوند، خودمان این وضعیت را اصلاح کنیم.» با این وجود، هنوز هم تعداد زیادی از فیلم‌ها و حتی سریال‌های شبکه نمایش خانگی، قهرمان سیگاری دارند و این‌ها همه در حالی‌است که به‌گزارش ایسنا، دکتر علی اکبر سیاری، معاون بهداشت سابق وزارت بهداشت در نشست معاونین بهداشت دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به شیوع مصرف دخانیات در میان دانش آموزان ایرانی اشاره و از آسیب‌های جدی و غیرقابل جبران آن خبر داده بود؛ چالشی که شاید کنترل‌ش بیش از همه در دست رسانه‌ها باشد. شاید وقت آن رسیده که ما هم در کشورمان یا به حذف جدی صحنه‌های استعمال سیگار در فیلم و سریال‌ها همت بگماریم و یا برای نمایش و تماشای این محصولات، محدودیت‌های سنی جدی قابل شویم!